

# نگاهی به تصحیح مثنوی بهرام و گلندام امین‌الدین صافی

همان گونه که در ابتدا گفته شد، احیاء نسخ خطی و میراث ادبی زبان فارسی، کاری است ارزشمند و ستودنی. ما در این مجال، برخی از موارد اصلاحی را که در اثناء مطالعه این اثر به خاطر رسید، نه از باب خرده‌گیری، بلکه به عنوان پیشنهاد، مطرح می‌نماییم.

مثنوی بهرام و گلندام از شاعری است ناشناخته به نام امین‌الدین صافی، اهل ارباباد، که در پایان منظومه، خود بدان اشاره کرده است. در فهرست گنج‌بخش، شاعر از مردم سبزواری دانسته شده و در فهرست مجلس، ستایشگر شمس‌الدین محمد، پادشاه کرمان و فارس، معرفی شده است. پیش‌تر این مثنوی به کاتبی ترضیزی منسوب بود. مصححان این حدس را یادآوری کرده‌اند که احتمال دارد مثنوی متعلق به امیر امین‌الدین نزل‌آبادی، صاحب مثنوی جمال و جلال، باشد (صافی، ۱۳۸۶: ص ۱۸).

نخستین مطلب، عنوان کتاب است، که در پشت جلد، «بهرام و گل‌اندام» آمده، در حالی که در سرشناسه کتاب و در متن، همه جا «گلندام» است. در مقدمه کتاب نیز در برخی موارد تسامحاتی دیده می‌شود. از جمله اینکه نوشته‌اند دیدن تصویر، یکی از راه‌های ایجاد عشق در منظومه‌هاست؛ مثل داستان خسرو و شیرین (همان: ۳۰، شماره ۱۳)؛ در حالی که این مطلب نارساست؛ چرا که تنها درباره شیرین صدق می‌کند و خسرو با تعریف و توصیف شاپور از شیرین، دل‌باخته می‌گردد و طرفین عشق به دو روش متفاوت عاشق هم می‌گردند.

نکته دیگری که متأسفانه در این کتاب بسیار دیده می‌شود، عدم نقطه‌گذاری و علائم نگارشی ضرور است؛ به عنوان مثال، می‌توان به ص ۲۸، سطر ۱۴، ص ۳۱، سطر ۱۱ و ص ۳۲، سطر ۲۳ اشاره کرد. فصل و وصل کلمات نیز در مواردی رعایت نشده و کلماتی مانند «شهنامه» و «دل‌ام» منفصل آمده است. مصححان در همه موارد، کلماتی چون «مر آن» و «اندر آن» را به صورت «مران» و «اندران» نوشته‌اند (همان: ص ۴۱، بیت ۲ و ۶).

در باب شیوه تصحیح کتاب، این نکته را باید افزود که در بسیاری موارد،

دکتر یوسف اسماعیل‌زاده\*

\*مثنوی بهرام و گلندام

\* امین‌الدین صافی

\* تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو

\* چاپ اول، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۶

## چکیده

شاعران بسیاری پس از نظامی به نظیره‌گویی و تقلید از خمسه او پرداختند. برخی تمام خمسه و بعضی یک مثنوی از نظامی را سرمشق قرار داده و نظیره‌های سروده‌اند. اوج نظیره‌گویی، در قرن یازدهم هجری است. برخی از شاعران نوآوری و خلاقیتی در مثنوی خویش ایجاد کرده و برخی دیگر تنها در حد یک مقلد صرف باقی مانده‌اند. البته ناگفته نماند که از لحاظ ادبی، صور خیال، لغات و ترکیبات، پرداخت داستان، در یک سطح نیستند و فتور لفظ و معنا در برخی از آنها دیده می‌شود. کوشش در تصحیح و احیاء نسخه‌های خطی مثنوی‌های عاشقانه، تلاشی است ستودنی؛ چرا که بر غنای ادب فارسی افزوده می‌گردد. این مقاله به نقد و بررسی یکی از آخرین کوشش‌های مصححان در نشر یکی از مثنوی‌های عاشقانه ادب فارسی می‌پردازد. مثنوی بهرام و گلندام، منسوب به امین‌الدین صافی، از مردم سبزواری در قرن نهم هجری است. این منظومه، پیش‌تر به کاتبی نیشابوری نسبت داده می‌شد. داستان، شرح عشق «بهرام»، فرزند پادشاه روم، به «گلندام»، دختر شاه چین، است. در این جستار، این کتاب، مورد کندوکاو نگارنده قرار گرفته است و نکاتی درباره آن عرضه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مثنوی، تصحیح، بهرام و گلندام، امین‌الدین

صافی.

نسخه‌بدل‌ها بر متن ترجیح دارد.

فهرستی از لغات در پایان کتاب فراهم شده که ناقص است و کلمات فراوانی از متن، از چشم مصححان پنهان مانده است. شماره صفحات فهرس با متن هم‌خوانی ندارد. بهتر می‌بود که معنی و شرح مختصری از لغات و ترکیبات ارائه می‌گردید. شاعر در متن از ترکیبات و اصطلاحات برخی شعرا استفاده نموده که بدانها اشاره نشده است. ابیات الحاقی از نسخ دیگر، بهتر می‌بود که در پاورقی ذکر می‌گردید. گاهی توالی ابیات، بر طبق منطق روایت داستان نیست. به نظر می‌رسد برخی ابیات در اصل نسخه از بین رفته است.

### مقدمه کتاب

در مقدمه کتاب به مطالب ذیل اشاره شده است:

در آمدی بر منظومه‌های عاشقانه، سراینده مثنوی، گزارش داستان، نگاهی به داستان، بی‌فرزندی، شکار، هفت پند، ترک حکومت، سرزمین معشوق، عشق پیر هشتادساله، عشق به تصویر، رقیب، نامه‌نگاری، حوادث عجیب، بن‌مایه‌های عیاری.

در ذیل هر کدام، توضیحات مناسب مطلب با ذکر شواهد درج شده است. موارد فوق بیشتر اصول حاکم بر ساختار منظومه‌های عاشقانه است و تنها اختصاص به مثنوی بهرام و گلندام ندارد. مصححان در بخش پایانی مقدمه کتاب، به معرفی نسخ خطی موجود از این منظومه پرداخته و روش خود را توضیح داده‌اند. گویا از این مثنوی ۶ نسخه موجود است:

۱. نسخه آقدم، که نسخه اساس مصححان بوده است، ۲. نسخه شماره ۲۶۱۶ کتابخانه مجلس، به تاریخ هفتم ربیع‌الثانی ۱۲۷۶، دارای ۲۴۵۰ بیت، ۳. نسخه شماره ۲۶۱۷ با ۲۳۵۰ بیت، ۴. نسخه کتابخانه ملک، به شماره ۴۵۸۷ و تاریخ ۱۲۹۳، ۵. نسخه شماره ۳۰۴/۲ سنا از سده دوازدهم (از آن دکتر بیانی)، ۶. نسخه بدون تاریخ کتابت دارالکتب قاهره.

نسخه دیگری گویا به شماره ۱۷۳۶ در کتابخانه ملی تبریز بوده است که مصححان آن را در کتابخانه نیافته‌اند.

### ویژگی‌های سبکی و فکری

مصححان محترم به ویژگی‌های سبکی منظومه بهرام و گلندام و رسم‌الخط نسخه اشاره‌ای نکرده‌اند. این مثنوی خصوصیات سبک عراقی را داراست: هم «می» و هم «همی» در آن به کار رفته است، «بی» به جای «می» استمرار ماضی نقلی به شکل قدیم، افزودن «ب» پیش از فعل، «اندر» به جای «در»، نوشتن «چو» به صورت «چه»، کاربرد موصوف و صفت جمع به شیوه عربی، ترکیب کلمات فارسی و عربی، نظیر «یوم رزم»، کاربرد «شدن» در معنای «رفتن»، کاربرد

عبارات و کلمات عامیانه، نظیر «زردار» و «مفت».

از نظر فکری، مقام معشوق در آن والا نیست. در آن به شیوه منظومه‌های پیشین، پند و اندرز نیز گنجانده شده است. از خصوصیات دیگر مثنوی بهرام و گلندام، وجود فضا و عناصر حماسی در آن است. صنایع ادبی چندانی در آن دیده نمی‌شود و بیشتر به تناسب موضوع، تشبیه به کار رفته است. تشبیهات نیز تکراری و فاقد ارزش بلاغی است.

### تکرار

از ویژگی‌های دیگر این مثنوی، تکرار مطالب و ابیات است. البته این امر، خاص مثنوی بهرام و گلندام نیست؛ بلکه در تمام مثنوی‌های بعد از قرن نهم دیده می‌شود و ناشی از ضعف توانایی و مهارت شاعر در تصویرسازی است. این تکرار گاهی در کل بیت و گاهی در تعبیرات و ترکیبات است. نکته مهم این است که مصححان کتاب از این تکرار در تصحیح بهره‌نمی‌گیرند و گاهی دیده می‌شود که بیتی نادرست خوانده شده و در صفحات بعدی صورت صحیح ذکر گردیده است. از جمله موارد تکرار می‌توان به ابیات ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۸۹، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۸۴، ۳۷۹، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۶۸، ۴۹۹، ۲۹۲۵، ۲۹۲۶، ۲۹۹۷، ۲۹۳۳، ۲۹۴۶، ۲۹۴۷، ۲۹۴۸، ۲۹۹۴، ۲۲۴۹، ۲۹۵۰ اشاره کرد.

### شخصیت‌های داستان

در منظومه‌هایی که دو طرف داستان (عاشق و معشوق) یا یکی از دو طرف، شاه یا شاهزاده باشند، معمولاً با تعدد شخصیت‌ها روبه‌رو هستیم؛ کسانی که در تمهید عشق و وصال دو دل‌داده نقش ایفا می‌کنند. در مثنوی بهرام و گلندام نیز از شخصیت‌های فراوانی یاد شده است. اسامی قهرمانان و شخصیت‌های داستان در پایان کتاب آمده است. در این مجال آنان را ذکر می‌کنیم:

افرع (دیو دشمن پری‌زادگان)، اورنگ (دریان دروازه شهر چین)، بهرام (پسر کشور)، بهزاد (پادشاه بلغار و رقیب بهرام)، پیر زاهد (کسی که تصویر گلندام را به بهرام نشان می‌دهد)، جهان‌افروز (دختر شاه پریان شام)، دل‌آرای پری (دایه سمن‌بو)، دولت (کنیز گلندام)، سمن‌بر (خواهر پری‌زاد)، شاه نوشاد (پادشاه بلغار)، شبرنگ عیار (بیک پادشاه روم)، شماس (برادر پری‌زاد)، شیرافکن (پسرعموی نوشاد)، صیفور (برادر پری‌زاد)، عشیره (همشیره خاقان چین)، قمطال / قحطال (برادر پری‌زاد)، قیصور (پادشاه چین)، قیطول / قیطور (برادر پری‌زاد)، کشور (پادشاه روم، پدر بهرام)، گل‌چهره (کنیز معنی گلندام)، مرد افسوس (افیوس)، مهندس (وزیر دانای کشور)، همیطا / همیتا / حمیتا (برادر پری‌زاد).

## نکته‌ها

## \* ص ۴۱، بیت ۲۰

به آن منزل که شهر سبزوار است  
نظرگاه وی را کردگار است  
مصرع دوم از لحاظ وزنی ایراد دارد. در مقدمه کتاب، از فهرست گنج‌بخش، بیت بدین گونه روایت شده است:

چو این رونق ز شهر سبزوار است

نظرگاه ولی کردگار است (صافی، ۱۳۸۶: ص ۱۷)

## \* ص ۴۵، بیت ۷۴

صد و پنجاه هزار از مرد سرکش

همه با اسب با شمشیر ترکش

مصرع دوم بدین صورت، بهتر است: «همه با اسب، با شمشیر [و] ترکش».

## \* ص ۴۵، بیت ۸۱

خبر چون یافت ازین حالت شهنشاه

ز شادی زد فراز چرخ، خرگاه

در مصرع اول، مصوّت «ا» اضافه است و «زین» درست است.

## \* ص ۴۶، بیت ۹۹

چنان در علم و حشمت گشت چالاک

که دیدی سر به زیری بار افلاک

با توجه به ابیات قبل و بعد، که درباره سواد و نزد استاد درس خواندن است، به نظر می‌رسد «حکمت» مناسب باشد.

## \* ص ۴۶، بیت ۱۰۱

به اندک روزگار، از ضرب شمشیر

برآورد از دمار پیر را شیر

مصرع دوم معنای رسایی ندارد.

## \* ص ۴۷، بیت ۱۳۲

صراحی های زرین بود سیمین

مرصع جام و نقل مجلس آیین

ضبط مصراع اول نسخه بدل ارجح است و مشکل معنایی مصراع نخست را حل می‌کند: «صراحی‌های زرین بود [و] سیمین».

## \* ص ۴۸، بیت ۱۵۸

چنین گفتش ای نور دو دیده

خدا از محض لطف آفریده

به نظر می‌رسد که بعد از «گفتش»، «که» باید اضافه گردد و یا ضبط نسخه بدل «چنانش گفت» را بپذیریم.

## \* ص ۴۹، بیت ۱۶۰

چنان در این زمان نبود قراری

که باشد چون تو از من یادگاری

بخواهم گفتنت هفت پند موزون

به خوبی هر یکی چون در مکنون

مصرع اول، معنی محصلی ندارد؛ شاید در اصل چنین باشد: «جهان در این زمان بندد قراری». البته می‌توان قرائت «جهان را این زمان نبود قراری» را هم محتمل دانست.

## \* ص ۴۹، بیت ۱۶۶

به جان بشنو ایا فرزانه‌فرزند

که خواهم گفت اکنون اول پند

صحیح، «اولین» است.

## \* ص ۵۱، بیت ۱۹۴

این بیت الحاقی می‌نماید؛ چرا که تمام افعال ابیات قبل، امری است و شاعر می‌توانست به آسانی به جای «داری»، «می‌دار» بگوید.

## \* ص ۵۲، بیت ۲۰۸

بگویم این چنین پندت دگر بار

بکن در گوش جان، چون در شهوار

ضبط نسخه بدل، که «پنجمین پند» است مناسب‌تر می‌نماید؛ چرا که بین پند چهارم و ششم است و شاعر در بند بعدی می‌گوید:

ششم پندت کنم این لحظه آغاز

به جان بشنو حدیث شکرین‌راز

## \* ص ۵۴، بیت ۲۴۱

به هر پندی که شه بهرام را داد

به چشم خویشتن نگشت بنهاد

صحیح، «نگشت» است.

## \* ص ۵۴، بیت ۲۴۵

از این وادی نبردی کوه‌پیما

گذر کردی چو باد از روی صحرا

صورت درست مصرع اول، «ازین وادی نوردی کوه‌پیما» است. این نوع کاربرد، در متون قدیم هم دیده می‌شود و آن را بای بیان صفات می‌نامند. سعدی:

ازین مه‌پارهای، عابدفریبی

ملایک صورتی، طاووس زیبی

## \* ص ۵۵، بیت ۲۶۳

ز عدل آراسته بستان چین را

گرفته هیئتش روی زمین را

نسخه بدل، «حکم او» دارد، که مرخح است. شاید هم در اصل نسخه، «هیبتش» بوده است.

\* ص ۵۶، بیت ۲۸۵  
به هر عیدی در او را گشادی  
جمال خود به مردم می نمودی  
با توجه به قافیه مصرع اول، نسخه بدل شماره ۱۳، «عرضه دادی»  
مناسب است.

\* ص ۵۷، بیت ۲۹۲  
میسرشان نبودی جز وصالی  
همین بودند ایشان بر خیالی  
از لحاظ معنایی، به جای "جز" باید «بر» باشد. شاید مصححان  
دچار بدخوانی شده‌اند.

\* ص ۵۸، بیت ۳۰۵  
بر آمد پیش مشکین شب به کافور  
چنان کز روشنی می تافت چون فور  
در مصرع دوم، «خور» یا «نور» صحیح می نماید.

\* ص ۵۸، بیت ۳۰۶  
نور چو صبح صبحدم از چرخ دم زد  
شه خور از فلک در دم علم زد  
مصرع اول از نظر وزنی اشکال دارد. صحیح، «چو نور صبحدم از  
چرخ دم زد» است.

\* ص ۶۲، بیت ۳۶۹  
چه گویم قصه‌ای من بس دراز است  
در این احوال من بسیار راز است  
در مصرع اول، «قصه من» درست است.

\* ص ۶۲، بیت ۳۷۸  
که دختر بود آن قیصر چین را  
که مه باشد کنیزان نازنین را  
مصرع دوم بدین صورت صحیح است: «که مه باشد کنیز، آن نازنین  
را». در بیت ۷۹۵ نیز تکرار شده است.

\* ص ۶۶، بیت ۴۳۹  
یکی خواهر بود ایشان را نکوروی  
چو گل رخسار بودی آن نکوخوی  
«بود» در مصراع اول مخل وزن است؛ صحیح «بُد» است. در بیت  
۲۴۰۷ نیز «بُد» صحیح است.

\* ص ۷۰، بیت ۵۰۰  
بدبش از جهان فارغ نشسته  
پری زادن او بر سرو بسته  
صحیح «بدبش» است.

\* ص ۷۹، بیت ۶۶۸

شهبش گفتا که تنهایی ست کارم  
که من چون شیر تنها در شکار  
قافیه مصرع دوم «شکارم» درست است.

\* ص ۸۱، بیت ۷۰۷  
به آب دیده یعقوب کنعان  
که بودی مسکنش در بیت‌الاحزان  
«بیت احزان» صحیح است.

\* ص ۸۵، بیت ۷۸۳  
جراحت گشت بر دل تازه داغش  
صبوحی بوی چین زد در دماغش  
نسخه بدل شماره ۱۹ استوارتر می نماید:

صباحی بوی چین زد بر دماغش  
زیاده گشت به دل درد فراقش  
\* ص ۸۷، بیت ۸۱۰  
وناقی بس لطیف و منظر خوش  
به صورت‌های چین، گرد و منقش

مصرع اول، یک هجای بلند کم دارد. صحیح «منظری» است. به  
علاوه، ضبط نسخه بدل «کرده» بر «گرد» ترجیح دارد.

\* ص ۸۷، بیت ۸۲۱  
نمد طلبید آن دم شاه بهرام  
بیامد و بیوشید اندر اندام  
در مصرع دوم، «بیامرد» درست است.

\* ص ۸۸، بیت ۸۳۳  
هزار چهار صد کرسی از زر  
نهاده بهر سرداران لشکر  
ضبط صحیح، «هزار و چهار صد» است.

\* ص ۹۳، بیت ۹۳۰  
به استادی یکی لعب نگون ساخت  
ز تن دست وی اندر دم بینداخت  
"نگون" در مصراع اول ناخوش افتاده است هر چند می توان محملی  
برای آن تراشید. به نظر می رسد که «نکو» مناسب‌تر باشد. نسخه بدل  
«تیک» حدس ما را تقویت می کند.

\* ص ۹۸، بیت ۱۰۰۸  
در منظر ز هم خواهد گشودند  
جمال خور ز هم خواهد گشودند  
با توجه به ایات قبلی و بافت جملات، صحیح «گشودن» است.

\* ص ۱۰۰، بیت ۱۰۴۹  
خجسته طالع و فرخنده نامی

همایون طلعت شیرین کلامی  
مصراع دوم یا باید «طلعتی» باشد یا «طلعت و».

\* ص ۱۰۵، بیت ۱۱۳۸

به لوح سیم، یعنی سطح نامه  
فشانند این دُر ناب نوک خامه

ظاهراً مصراع دوم بدین صورت است: «فشانند این دُر ناب از نوک خامه».

\* ص ۱۰۶، بیت ۱۱۴۳

برو تا قصر او سرو گلندام

اگر یابی درون روضه آرام

نسخه بدل «آن» به جای «او» مناسب تر است.

\* ص ۱۰۹، بیت ۱۲۰۲

کزین معنی خبر باید شهنشاه

کند حلقه تیکر تیغ جانکاه

صحیح، «باید» است.

\* ص ۱۱۶، بیت ۱۳۲۲

به ترک عشق گوی شاد می باش

که نزد عاشقان این مشکلی نیست

ظاهراً «به ترک عشق گوی [و] شاد می باش» است.

\* ص ۱۱۷، بیت ۱۳۲۸

بدید آن نامه را پُر جور بهرام

حدیث عشوه انگیزی گلندام

به نظر می رسد همان «عشوه انگیز» یا نسخه بدل «عشق انگیز» صحیح تر باشد.

\* ص ۱۲۰، بیت ۱۳۹۹

چو دید و ماهرو را مرد درویش

دلش شد از فراق روی، دل ریش

ظاهراً در مصراع اول باید «چو دید او» یا «چو دید آن» باشد: «چو

دید آن ماهرو تا مرد درویش»

\* ص ۱۲۰، بیت ۱۴۰۰

بدان در درد آن چنان او کرد افغان

که دانستند خاص و عام شیروان

کلمه «درد» زاید است.

\* ص ۱۲۵، بیت ۱۴۸۵

چهها دید به آخر نامراد است

بگویم آنکه این معنیم یاد است

وزن بیت، مختل است.

\* ص ۱۲۵، بیت ۱۴۹۲

جوابش داد لیلی را ندانم

بود لیلی تمام استخوانم

نسخه بدل شماره ۱۳، «جسم و جان» استوارتر از «استخوانم» است.

\* ص ۱۲۹، بیت ۱۵۴۸

تورا ای مه، بسی ناز عتاب است

مرا کار است دایم آه و زاری

به نظر می رسد «ناز و عتاب» عطف به یکدیگر باشند.

\* ص ۱۲۹، بیت ۱۵۵۹

درون آتش غم بر فروزم

اگر از سنگ باشد دل، بسوزم

با توجه به ابیات قبل و بعد، نسخه بدل «چون فروزد» و «بسوزد»

بهبتر است؛ چرا که ابیات از زبان گلندام به بهرام و در نصیحت بدو

نوشته شده است و حالت خطایی دارد.

\* ص ۱۳۲، بیت ۱۵۹۷

بیامد بار دیگر دولت از راه

سعادت یافت از روی وی شاه

احتمالاً مصراع دوم بدین صورت بوده است: «سعادت یافت از روی

ویش شاه».

\* ص ۱۴۲، بیت ۱۷۹۲

به ایشان گفت در میدان نشینید

مر این آشفته را از دور ببند

صحیح، «ببندید» است.

\* ص ۱۶۰، بیت ۲۰۹۷

نهاده بر فراز کسوه فیل

که رفتی غربیش میل تا میل

در نسخه بدل، مصراع اول به صورت «گرفته ناله او میل

تا میل» آمده است. به نظر می رسد با قبول مصراع متن، مصراع

دوم را باید به صورت «که رفتی غرّشش از میل تا میل»

بخوانیم.

\* ص ۱۶۲، بیت ۲۱۴۴

چو از مشرق برآید خسرو خور

من و تیغ سپرز پور کشور

مصراع دوم بدین صورت محتمل تر است: «من و تیغ و سپرز پور

کشور». «سپرز» در فهرست واژگان نیامده است. سپرز: طحال.

\* ص ۱۶۵، بیت ۲۱۹۶

چنین گفته است پر دیده ایام

که شیرافکن بدی آن شیر را نام

مصراع اول از نظر وزنی اشکال دارد. شاید در مصراع اول، به جای

«پر» باید آن را «پیر» قرائت کنیم.

\* ص ۱۷۰، بیت ۲۲۸۷

به سوی خرگاه بشتافت  
به خنجر پوشش خرگاه بشکافت  
وزن مصرع اول، مختل است.

\* ص ۱۷۲، بیت ۲۳۲۳

از آن غیرت بلو بکردم چنین کار  
کنون حاکم بود شاه جهاندار  
در مصرع اول، ضبط صحیح «کردم» است. نسخه بدل «غیرت بکردم من» دارد.

\* ص ۱۷۹، بیت ۲۴۵۲

شه رومی ورق در پیش سر کرد  
به لعب آن گرز را از خویش دور کرد  
«ورق» معنای محصلی ندارد. احتمالاً «درق» بوده است، به معنای سپر. در نسخه‌ها گاهی کتابت «و» و «د» شبیه هم است.

\* ص ۱۸۴، بیت ۲۵۳۸

چو خوان خوردند، نوشیدند شربت  
شهنشه رفت در خرگاه فطرت  
تعبیر «خرگاه فطرت» کمی دور از ذهن است و در این بیت اصلاً محملی ندارد. در نسخه بدل «در خرگه به خلوت» آمده، که مناسب‌تر است.

\* ص ۱۸۸، بیت ۲۶۲۳

ولیکن گر رسد فرمان سلطان  
نیارم سر کشیدن از امر خاقان  
با این ضبط، مصرع دوم از وزن خارج می‌گردد. بنابراین مصرع دوم یا باید به صورت «نیارم سر کشید از امر خاقان» و یا «نیارم سر کشیدن ز امر خاقان» باشد.

\* ص ۱۹۲، بیت ۲۷۰۵

مزعفر در طبق شیرین به مجلس  
همیز و طعن‌ها در شاخ نرگس  
مصرع دوم از لحاظ معنایی نامفهوم است. این بیت به گونه‌ای دیگر در بیت ۲۸۱۷ تکرار شده و در آنجا به جای «شیرین» و «همیز و»، به ترتیب «سیمین» و «همی زد» آمده است. مصححان می‌توانستند از خود متن در جهت تصحیح ابیات و کاربرد لغات و ترکیبات استفاده کنند، که چنین نکرده‌اند.

\* ص ۱۹۳، بیت ۲۷۱۴

چو خلق جملگی چین را بیاراست  
کمر به ارکان سپاه خویش آراست  
بیت دارای ضعف تألیف است و از نظر وزنی سکنه دارد.

\* ص ۱۹۳، بیت ۲۷۱۹

نهاده بود رین تاج بر سر  
قبای اطلس زردوز در بر  
در مصرع اول، ضبط صحیح «زین» است.  
\* ص ۱۹۳، بیت ۲۷۲۲  
فکنده قاقم زنگین ابروش  
دو در شاهوارش حلقه در گوش  
با توجه به قافیه مصرع دوم، قافیه مصرع اول باید «ابر دوش» [= بر دوش] باشد.

\* ص ۱۹۳، بیت ۲۷۲۸

چو از زیر نقابش دید از دور  
چنان بر و تخت قصر آن صنم حور  
مصرع دوم مبهم است.

موارد نگارشی و تایی

\* ص ۳۱، سطر ۹: «و» بعد از ابن سلام زاید است.

\* ص ۴۱، بیت ۷

به آبی زر دعای شاه محمود  
نویسنده تنش در خاک فرسود  
مطابق رسم الخط امروزی، باید «آب زر» نوشته شود. این مطلب در ابیات دیگر نیز دیده می‌شود.

\* ص ۴۸، بیت ۱۴۹

همیشه باد امرورت زدی به  
شب امشب سلامت بهتر از دوش  
بین «ز» و «دی» باید فاصله باشد و در موارد دیگری (بیت ۱۶۲) نیز رعایت نشده است.

\* ص ۵۸، بیت ۳۱۳: شعری از نظامی تضمین شده است. لازم بود که داخل گیومه قرار می‌گرفت.

\* ص ۱۴۴، بیت ۱۸۲۵: «اشارت» صحیح است.

\* ص ۱۵۴، بیت ۱۹۹۲: بیت به هم ریخته است.

\* ص ۱۵۶، بیت ۲۰۲۸: «ببوسیدند» صحیح است، نه «به‌بوسیدند».

\* ص ۱۶۴، بیت ۲۱۶۸: «خرگه» درست است، نه «خرگهه».

\* ص ۱۹۲، بیت ۲۷۰۳: «هسمن» صحیح است، که به اشتباه «متمن» آمده است.

\* ص ۲۰۰، بیت ۲۸۶۶: «لرزان» درست است.

\* ص ۲۰۱، بیت ۲۸۷۹: «گنجور» از پایان مصرع اول به آغاز

مصرع دوم منتقل شده است.

پی‌نوشت

\* استادیار دانشگاه پیام نور منجیل.